



دانشگاه آزاد تهران واحد شمال  
دانشکده فنی و مهندسی  
مقطع تحصیلی کارشناسی معماری

# مقایسه ی کاربرد رنگ و نور در مسجد شیخ لطف الله در اصفهان و مسجد نصیرالملک در شیراز

نام استاد راهنما: دکتر لیلا امینی

نام دانشجویان به ترتیب الفبا:

نیوشاوجی

زهراربعی کاشانکی

نیمسال تحصیلی دوم ۹۸-۹۹

## مقدمه

نور و رنگ از اصلی ترین تجملات و آرایه های معماری است. بدون نور چیزی مشاهده نمی شود و بدون رنگ اجسام سرد و بی روح هستند. تاثیر نور و رنگ در مسجدهای اسلامی که کامل ترین معماری را دارا هستند به وضوح دیده می شود. نور طبیعی در بخشی از ساعات روز با تشکیل سایه های متفاوت باعث ایجاد انواع رنگ ها در روی اجسام می شود. به همین سبب، معماران اسلامی در ساخت مساجد با بازی با رنگ و نور توانسته اند بناهای خارق العاده ای ایجاد کنند که هم اکنون از سراسر جهان برای بازدید از این بناها سفر می شود. مسجد شیخ لطف الله در اصفهان از دوره ی صفوی و مسجد نصیرالملک در شیراز از دوره ی قاجار از عروس های مساجد اسلامی در ایران می باشند. در این دو مسجد بازی با رنگ و نور هم در فضاهای داخلی و هم در فضاهای خارجی به خوبی دیده می شود. به طوری که نمی توان گفت کدامیک زیباتر است.

کلید واژه ها :

مسجد شیخ لطف الله- مسجد نصیرالملک- نور در مساجد- رنگ در مساجد- کاشی کاری- معماری قاجاریه- نقش جهان- روانشناسی رنگ ها- مقایسه ی نور و رنگ در مساجد



## مسجد شیخ لطف الله

مسجد خاص ترین، خالص ترین، آرمانی ترین و محتواگراترین موضوع معماری است. اصالت دادن به موضوع، مفاهیم و پایه های معنایی درج در بطن اصول و ایده های اسلام ضرورتی اساسی است. (زرگر، ۱۳۸۶)

مسجد شیخ لطف الله اصفهان شاهکار معماری و کاشی کاری قرن یازدهم هجری است که به فرمان شاه عباس اول در مدت هجده سال توسط استاد محمدرضا اصفهانی بنا شده است. بناهای تاریخی بسیاری در طول زمان در شهر اصفهان احداث کرده اند که هر کدام در آن زمان از قدرت و هنر معماران بسیاری استفاده کرده تا به این حد تعالی و کمال ظاهر شده اند.

مسجد شیخ لطف الله یکی از زیباترین آثار تاریخی اصفهان در ضلع شرقی میدان نقش جهان و مقابل عمارت عالی قاپو واقع شده است. شیخ لطف الله جبل عاملی، پدر زن شاه عباس اول و از علمای بزرگ شیعه در لبنان امروزی بود که به دعوت شاه در اصفهان اقامت گزید و این مسجد به منظور تجلیل از مقام او و برای تدریس و نمازگزاری وی احداث شد. شماری از کاشی کاری های معرق درون و بیرون گنبد و کتیبه های خط ثلث آن به خط علیرضای تبریزی عباسی است. این مکان به یمن گرامیداشت شیخ لطف الله بنا شد و مکانی برای تجمع عموم مردم بوده و شیخ لطف الله در این مسجد به تدریس می پرداخت. یکی از باستان شناسان غربی در مورد این مسجد گفته است: "به سختی می توان این بنا را محصول دست بشر دانست".

از آنجا که مسجد شیخ لطف الله مناره و شبستان ورودی (حیاط) ندارد و ورودی اش پله می خورد، کاری غیر عادی در زمینه معماری مساجد به شمار می رود. حذف شبستان و صحن ورودی این مسجد به مقتضیات تقارنی میدان نقش جهان (قرار گرفتن مسجد روبه روی عمارت عالی قاپو) صورت گرفته است. سردر معرق

آن تا پایان سال ۱۰۱۱ هجری و اتمام ساختمان و تزئینات آن در سال ۱۰۲۸ هجری قمری به پایان رسیده است.

پیش از ساخت مسجد شیخ لطف الله نیز در این مکان مسجدی قرار داشته، که در طول زمان آسیب دیده و خراب شده بود و شاه عباس مسجد شیخ لطف الله را در همین مکان بنا کرد. یکی از تجلی های میدان نقش جهان وجود مسجد شیخ لطف الله در مقابل عمارت باشکوه عالی قاپو بوده که زیبایی و عظمت میدان نقش جهان اصفهان را چند برابر کرده است. این مسجد دارای ویژگی چند بنیانی است که علاوه بر نقش کارکردی، دارای نوعی نمادگرایی نیز می باشد. (اخوتی، ۱۳۸۷)

اگرچه امروزه اثری از مدرسه ای که شیخ لطف الله در آن به کار تدریس مشغول بود، وجود ندارد اما مسجد با همه ی شکوه و زیبایی خود هنوز پابرجاست. جالب است از تفاوت مسجد شیخ لطف الله به نسبت بقیه مساجد آگاه باشیم چنانچه این مسجد نه مناره ای دارد و نه صحنی برایش ساخته شده است.



## معماری مسجد

مسجد شیخ لطف الله دارای گنبدی است که از درون و بیرون با کاشی کاری های زیبا پوشیده شده است. این گنبد روی چندین طاق کنگره دار مرتفع استوار است و با آیات قرآنی آراسته شده است. در فراز مسجد شیخ لطف الله دایره ای وجود دارد که دارای منافذی است و با تزئینات فلزی آراسته شده است و برای روشنایی و تهویه به کار می رود. این گنبد به نقوش اسلیمی بسیار ظریفی تزیین شده که در قشر خارجی به یک ستاره هشت گوش از کاشی های معرق رنگارنگ منتهی می شود.

معمار و بنای مسجد استاد محمدرضا اصفهانی است که نام او در داخل محراب زیبای مسجد در دو لوح کوچک به شرح "عمل فقیر حقیر محتاج، به رحمت خدا محمدرضا بن استاد حسین بنا اصفهانی ۱۲۸۰" آمده است. خطوط و کتیبه های داخل مسجد اثر علیرضا عباسی خطاط بسیار مشهور زمان شاه عباس و باقر بنا خوشنویس گمنام آن عصر است که نمونه خط ثلث او با خط علیرضا عباسی برابری می کند.

در جلوی مسجد حوض ۸ ضلعی زیبایی قرار داشته که در سال های ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸ برداشته شده است. در این زمان، پوشش کف گنبد خانه از جنس گچ بوده و پنجره های چوبی منصوب در آن، روشنایی زیرزمین را تامین می کرده است.

محراب مسجد با کاشی کاری معرق و مقرنس های بسیار دلپذیر تزئین شده است. درون محراب دو لوح وجود دارد. در اطراف محراب کتیبه هایی به خط علیرضا عباسی و خطاط دیگری که باقر نام داشته است، دیده می شود.

مسجد شیخ لطف الله یکی از چند گنبد یک پوششی زمان صفویه است. بلندی آن تا آن اندازه است که بتواند در کنار میان خود نمایی کرده و بر آن فضا مسلط باشد. خمیدگی گنبد از نقطه برآمدگی بزرگ، ناگهان به سمت داخل گراییده و راس گنبد را تشکیل داده است و این فشار زیاد را دیوارهای قطور مسجد تحمل می کند.

ستون های این مسجد بر یک چهارضلعی استوار است و در قسمت های بالاتر به هشت ضلعی تبدیل می شود و در نهایت دایره وار به ساقه ی گنبد می پیوندد. دیوارهای این بنا برای تحمل سنگینی آن بسیار قطور ساخته شده است، به طوری که قطرشان در قسمت پنجره ها به ۱ متر و ۷۰ سانتی متر و در قسمت های اصلی حتی به بیش از ۲ متر هم می رسد.

در بالای در ورودی از راهرو به شبستان یک گشودگی وجود دارد که برای روشنایی محراب ایجاد شده است، اما برای روشنایی این مسجد ۱۶ پنجره در ساقه ی گنبد وجود دارد و از آنجا که پنجره های مشبک در گرداگرد این بنا وجود دارند، در تمام طول روز نور خورشید به فضای داخلی شبستان راه دارد. استاد محمدرضا اصفهانی، می توانست با گذاشتن گشودگی های بیشتر نور بیشتری را وارد این بنا کند اما با وارد کردن همین میزان نور مهار شده، بر روی کاشی ها توجه ما را به تک تک آن ها جلب می کند.

در ساختمان و تزئین اژدرهای سردر و جلوخان و همچنین سکوه های طرفین سردر، مرمهرای بسیار خوب به کار رفته و بقیه قسمت های جلوخان و سردر با کاشی های خشتی الوان و معرق زینت یافته اند. در این تزئینات نقوش هندسی، گل و بوته، طاووس و همچنین کتیبه هایی به چشم می خورد که به خط خوش نسخ و نستعلیق نوشته شده اند.

نقوش و رنگ های به کار رفته در کاشیکاری استادانه گنبد مسجد، از زیباترین کاشیکاری های موجود در معماری ایران است. نور درون مسجد از پنجره های مشبکی که در جوانب گوناگون ساقه گنبد ساخته شده اند تامین می شود. پرتوی که از این پنجره ها به درون می تابد، علاوه بر ایجاد روشنایی کافی، خود به خود نمایشگر فضای روحانی بنا است. ساقه گنبد با کاشی هایی آبی رنگ و نقوش گل و بوته و کتیبه ای از کاشی های معرق، شامل چند سوره کوتاه از قرآن، تزئین شده است. نکته ی جالب آن، اختصاصی بودن مسجد شیخ لطف الله و جلوگیری از ورود اغیار به آن است. این نکته را استثنایی بودن مسجد یعنی عدم وجود صحن و مناره که در تمامی مساجد اسلامی جزو لاینفک بنا است، تایید می کند.

از دیگر ویژگی های مسجد، چرخش ۴۵ درجه ای است که از محور شمال به جنوب نسبت به محور قبله دارد. این گردش که در اصطلاح معماران سنتی ایران "پاشنه" نامیده می شود، چنان ماهرانه صورت گرفته که به

هیچ وجه، توجه بیننده را جلب نمی‌کند. این چرخش باعث شده تا بازدید کننده پس از گذشتن از مدخل تاریک و بعد از عبور از راهرو طویل متصل به آن فضای داخلی اصلی و محوطه زیر گنبد وارد شود.

معماری مسجد به نحوی زیباست که گفته می‌شود این اثری ورای دست بشر و عاری از هرگونه ضعف با تناسبات بی‌نظیر اندازه‌ها بوده است. تزئینات کاشی کاری و نحوه ساخت آن مسئله‌ای نیست که بتوان آن را پشت سر گذاشت و بی توجه بماند، بلکه در طول همه این سال‌ها افراد زیادی بوده که معماری آن را مورد بررسی قرار داده‌اند.

آنچه پروفیسور ارتور اپهام پوپ یکی از ایرانشناسان آمریکایی درباره‌ی هنر معماری و کاشیکاری مسجد شیخ لطف الله ابراز نموده بدین شرح است: "مسجدی که در سمت شرق میدان شاه و مقابل ساختمان عالی قاپو قرار دارد یکی از شاهکارهای بینظیر معماری است که در سراسر آسیا خودنمایی می‌کند. این مسجد زیبا که همچون جواهری درخشان در تاریخ معماری ایرانیان می‌درخشد، مسجد شیخ لطف الله نام دارد."

اگر در میدان نقش جهان باشید و به اطراف خود نظاره کنید این گنبد ساخته شده در زمان صفویان یکی از آثار دیدنی است که در نگاه اول شمارا به خود جلب می‌نماید. یکی از نقاط عطف آن خمیدگی خاص گنبد است که از نقطه برآمدگی بزرگ یا شیبی به سمت داخل رفته و منتهی به راس گنبد می‌شود. دیوارهای صحن مسجد به واسطه گل و بوته‌هایی تزئین شده که این گل و بوته‌ها به رنگ آبی می‌باشند. زاویه‌های فوقانی این دیوارها از طرح گل و بوته‌ای متفاوت با بقیه آن تشکیل شده‌اند. داخل گنبد مسجد نیز معماری خاصی را داراست چنانچه در آن ستاره‌های بسیار بزرگ با رنگ زرد طلایی دیده می‌شود که با طرح‌های درهم پیچک شکل داده شده است. درون مسجد در اطراف گنبد آن سوراخ‌هایی در قطر گنبد ایجاد نموده‌اند که باعث روشنایی ویژه مسجد شده، روشنایی و محیطی خاص که هیجان و آرامش را به بازدید کننده آن می‌بخشند. از جمله زیباترین بخش گنبد مسجد شیخ لطف الله می‌توان به طاووسی طراحی شده در مرکز داخلی آن اشاره نمود. چنانچه با وارد شدن نور از طاق بالای درب ورودی مسجد پره‌های طاووس کامل می‌شوند.

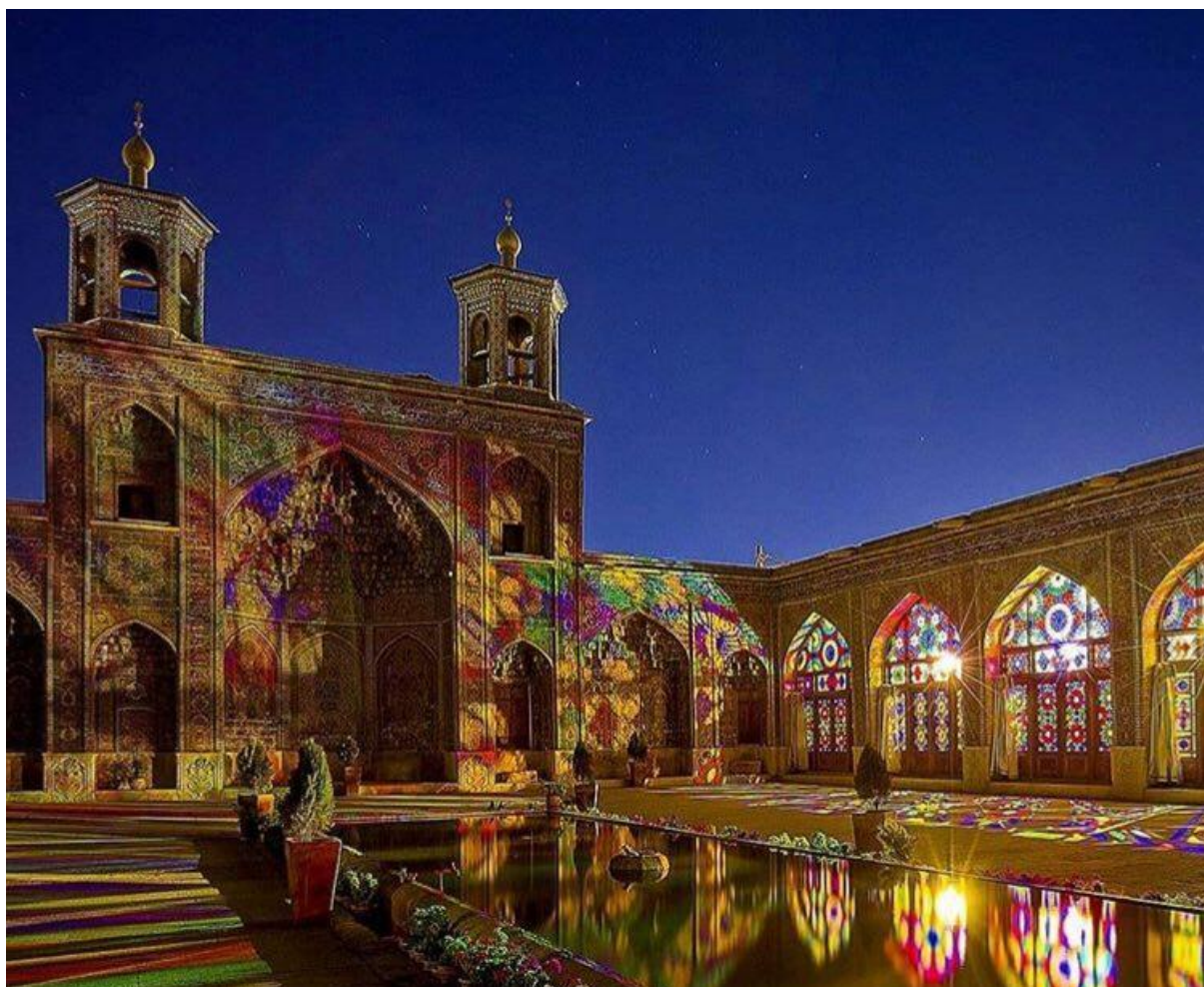
بهترین زمان بازدید از مسجد نزدیک طلوع و غروب آفتاب است، به علت اینکه خورشید نزدیک افق قرار گرفته و اگر در داخل مسجد به درون گنبد نگاه کنید طاووس بسیار زیبایی را مشاهده خواهید کرد.



## مسجد نصیرالملک

مسجد نصیرالملک یکی از آثار تاریخی زیبا و باشکوه شیراز از دوره ی قاجاریه است. وسعت این بنا در مقایسه با مساجد دیگر، از جمله مسجد وکیل یا مسجد جامع نو شیراز چندان زیاد نیست اما از لحاظ معماری، به قدری زیبا و با ظرافت ساخته شده است که می‌توان آن را جزو شاهکارهای معماری و کاشیکاری دوره ی قاجاریه دانست. مسجد نصیرالملک به لحاظ جغرافیایی در محله ی "گودعربان" (که در قدیم به محله ی اسحق بیگ نیز معروف بوده است) واقع در خیابان لطفعلی خان زند و در کوچه ی نصیرالملک و با زیربنای ۲۷۳۰ مترمربع قرار دارد. در سمت چپ کوچه، خانه ی نصیرالملک با دیوارهای آجری ساده و در سمت راست خانه هایی فرسوده و ساده قرار دارد. سردر باشکوه مسجد در انتهای کوچه نگاه هر رهگذری را ناخودآگاه به خود جلب می‌کند. (وزیری و مصلح، ۱۳۹۲)

مرحوم حسنعلی نصیرالملک، از اعیان و اشراف شیراز، فرزند میرزا علی اکبر قوام الملک، بنای مسجد را در تاریخ ۱۲۹۳ قمری آغاز و در تاریخ ۱۳۰۵ قمری به پایان رساند. استادکاران این بنا، استاد محمدحسن معماری و استاد محمدرضا کاشی پز و استاد محمدحسینی نقاش شیرازی بودند. استاد حسن معماری بنای معروف باغ ارم را نیز ساخته است.



## معماری مسجد

مسجد دارای سردر و ورودی زیبا و هشتی و یکصحن بزرگ و دو شبستان تابستانی و زمستانی و دارای دو ایوان (شاه نشین) در شمال و جنوب حیاط است و در مجموعه بناهای شهری در محله ای که قبلاً متعلق به خانواده ی قوام بوده ایجاد شده است. خانه ی مرحوم نصیرالملک، حمام نصیرالملک، امامزاده زنجیری در بخش غربی مسجد، حسینییه و مدرسه ی قوام، مسجد قوام، مدرسه ی هاشمیه (جد خانواده ی قوام)، خانه ی زینت الملک و یک مجموعه از آثار تاریخی بی نظیر از دوره ی قاجاریه قرار گرفته است.

مصلح به کاررفته در بنای مسجد عمدتاً آجر و گچ بوده و در پی ساختمان نیز سنگ و در نماهای داخلی و خارجی ترکیباتی از سنگ، آجر و کاشی است. در قسمت های مختلفی از دیواره ها و چارکه کشی ها نیز قطعاتی از چوب به کار رفته و همین چوب ها هنگام زلزله، تنش های ساختمان را مهار و از شکافتن و شکستن دیوارها جلوگیری کرده است.

مسجد دارای دو دوره تعمیرات می باشد که یک دوره مربوط است به حدود ۶۰-۷۰ سال قبل که به جز تعمیر پوشش کف شبستان غربی، تعمیرات دیگری نداشته و تعمیرات مسجد باعث تغییرات کالبدی در مسجد

نگردیده است. تعمیرات دوره ی دوم مسجد از حدود سال ۱۳۷۰ شمسی آغاز شده و تا سال ۱۳۸۵ شمسی ادامه داشته است.

مجموعه مسجد و امامزاده دارای سه ورودی است که یکی اصلی و دو ورودی دیگر نیز به کوچه ی جنوبی مسجد و به امامزاده ی جنب آن مرتبط می باشد. ورودی اصلی مسجد از کاشی هفت رنگ با تزئینات فراوانی از گل سرخ و گل زنبق شیراز است که با تنوع رنگی مناسب و لطیف ایجاد گردیده است.

این سردر دو دیوار هریک با قطر دو متر است. هر دیوار به سه قسمت تقسیم شده است و دو قسمت هر دیوار دارای دو تابلوی عمودی تا انتهای سردر و در میان دو تابلو، یک سکوی نشیمن با فرورفتگی ایجاد گردیده است. در بالای سکوی نشیمن یک تابلو با کاشی رنگی بدون فرورفتگی هم سطح با سایر تابلوها قرار دارد که کاملاً با دیوار دیگر از نظر شکل فرورفتگی و قاب سازی ها، قرینه است. سردر با یک فرورفتگی یک و نیم متری در فاصله ی بین دیوار با سنگ آزاره سنگی به ارتفاع یک متر با دو سکوی سنگی در دو طرف در بین فرورفتگی سردر نصب گردیده و در پشت سکوها دو قاب پنج و هفت با فرورفتگی کم از یکنواختی در جلوگیری کرده است. درب چوبی مسجد دارای قابی سنگی با تزئیناتی از اسلیمی، درب سنگین چوبی را نگه داشته اند. در بالای قاب سنگی یک کتیبه ی کوچک سنگی با شعر شوریده شیرازی در رسای نصیرالملک و مسجد زیبای او و همچنین تاریخ ساخت آن با خط نستعلیق آمده است.

در بالای سردر و کتیبه ی سنگی آن یک کاربندی مقرنس ۱۱ قطار پرکار ریز و پر نقش آمده که با کاشی هفت رنگ بسیار زیبا تزیین شده است. در پیشانی سردر زیر رخ بام نیز یک کتیبه با کاشی لاجوردی و خط ثلث بسیار زیبا، ورودی اصلی مسجد را کامل کرده است. ورودی دوم مسجد که به کوچه ی جنوبی مسجد راه داشته با تزئیناتی از آجر و کاشی آراسته شده است.

از ورودی اصلی مسجد وارد یک هشتی می شویم که با یک پیچ نود درجه در سمت چپ به راهرویی می رسد که به حیاط مسجد وصل می شود. هشتی مسجد بدون تزئینات بوده و با آجر ساده ساخته شده و تنها به قرینه ی در ورودی، تابلویی از کاشی نصب گردیده که در پایین تابلو این شعر معروف سعدی و نام معمار آمده است:

غرض نقشی است کز ما باز ماند که هستی را نمی بینیم بقایی

مگر صاحب دلی روزی به رحمت کند در حق استادان دعایی

معمار. اقل محمدرضا کاشی پز

کمترین محمد حسن معماری

قبل از ورود به حیاط مسجد در سمت چپ راهرو نیز یک راه به پشت بام مسجد و اتاق های واقع بر هشتی مورد نیاز را ایجاد نموده است. حیاط مسجد که به صورت چهارگوش طراحی شده، دسترسی به شبستان شرقی و غربی، ایوان شمالی و جنوبی و در جنوبی که به کوچه ی آصف مرتبط است، و هشتی منتهی به امامزاده ی جنب مسجد را ممکن نموده است. این حیاط یک مستطیل شمالی جنوبی است و در میان آن یک حوض شمالی جنوبی در مقابل ایوان مسجد احداث شده که زیبایی حیاط را دو چندان کرده است. دورتادور حیاط مسجد با کاشی های بسیار زیبای هفت رنگ تزیین یافته که زیبایی خاصی به حیاط بخشیده است. این کاشی ها با کتیبه ی لاجوردی با آیات قرآنی با خط سفید از نوع ثلث، که دورتادور مسجد را در بر گرفته است، پایان می یابد.

این مسجد از مساجد دو ایوانه است که ایوان شمالی با تزئینات فراوان و معروف به ایوان مروارید است و در برخی از ایام سال انعکاس نور خورشید در آب حوض به کاسه سازی زیر ایوان می افتد.

بدنه ی جنوبی حیاط به طور کامل با کاشی تزیین شده است. سنگ ازاره ها در پایین جرزها تماما با تزیینی از گل و اسلیمی حجاری شده است. این شکل در تمامی ازاره های جرزها تکرار شده و در بدنه جرزها و لچکی های هفت و پنج ها، کاشی هایی با رنگ صورتی و قرمز تزیین یافته و در تابلوهای داخل گل ها همان نقش کلیسا و مناظر غربی که در ایوان شمالی آمده تکرار شده است.

این مسجد دارای دو شبستان غرب و شرق است. شبستان غربی یکی از زیباترین شبستان های مساجد ایران است. این شبستان با یک مجموعه از تزئینات کاشی و آجر و تابلوهایی از کاشی با نقاشی هایی از گل سرخ و رسمی بندهایی بسیار زیبا در پوشش سقف همراه با کاشی کاری و طراحی های فوق العاده و ستون های سنگی بسیار خوش تراش به مجموعه معماری بی نظیر تبدیل شده است.

ستون های مسجد یکی از خوش تراش ترین ستون های اماکن تاریخی شیراز است. این ستون ها با یک سری گلدان شروع می شود که در انتهای گلدان ها حجاری های مارپیچ آغاز و در انتهای بخش استوانه های سرستون ها با دو سری نقش های مرتب برگ کنگری کوچک و یک سری اسلیمی بسیار زیبا پایان می یابد.

بعد از به کار گرفتن ستون های سنگی در شبستان ها به جای جرز، که اولین بار در مسجد نو آورده شد و در مسجد وکیل به اوج خود رسید و در دیگر مساجد شیراز تکرار شد، کامل ترین این ستون ها از نظر تراش، نقش و ابتدا و انتهای شکل ها، ستون های مسجد نصیرالملک می باشد.

این شبستان دارای دو سری ستون ۶ تایی است که ۲۱ طاق چشمه پوشش، سقف آن را نگه داشته اند. تمام پوشش ها از کاربندی ۲۲ است. هفت طاق چشمه ای در بین دو ستون قرار گرفته اند. در انتهای این ردیف طاق و چشمه های کاشی کاری شده به محراب فوق العاده زیبای مسجد می رسیم. دو سری دیگر طاق و چشمه ها با کاربندی ۲۲ و کاشی کاری معلق از سری وسط متفاوت گردیده اند.

بدنه مسجد در سمت شبستان، عمدتاً از آجر است که با یک متر فاصله سنگ ازاره از کف شبستان سطح آجرکاری شروع شده، اما معماری مسجد برای پرهیز از یکنواختی دیوار در فاصله هر جرز یک تابلوی زیبای کاشی کاری آورده است. در مقابل هر تابلو در سمت حیاط، در چوبی گره چینی با شیشه های رنگی نصب شده که با توجه به اینکه این شبستان زمستانی بوده و صبح ها آفتاب گیر بوده است ترکیبات نورهای رنگی بر سطح ستون ها، آجرها و کاشی های رنگی زیبایی خاصی را به شبستان می داده است.

هفت دهانه بدنه خارجی شبستان تابستانی با درهای گره چینی بسیار زیبایی پوشیده شده است. ترکیبات شیشه های رنگی این درها در روزهای آفتابی و انعکاس این نورها بر کف کاشیکاری شبستان، زیبایی منحصر به فردی به شبستان داده است که در هیچکدام از شبستان های مساجد ایران مانند ندارد.

در شبستان غربی یک محراب بسیار زیبا با ایجاد یک فرورفتگی در بدنه جنوبی شبستان ایجاد گردیده است. این فرورفتگی ابتدا با یک زاویه ۶۰ درجه آغاز و بعد به یک نیمه هشت تبدیل می شود. پایین محراب کاملاً از سنگ می باشد. کف محراب با یک اختلاف سطح ۱۵ سانتی متری از کف شبستان با کاشی فرش گردیده است. کاشی کاری بدنه محراب با نقوشی از گل و آیات قرآن می باشد که تمام سطح محراب را پوشانده است.

مسجد نصیرالملک اوج معماری ایران است و بی گمان در تمام دوره رو به افول معماری این سرزمین در عصر قاجار مانند یک نگین می درخشد. (نجفی، ۱۳۹۲)

گردشگران خارجی زیادی نیز از این مسجد بازدید کرده اند. مارسل جی پس از بازدید در زمستان ۱۳۹۸ نوشته: "اینجا ارزش دیدن دارد. هرچه درباره ی آن شنیده اید، درست است! اگر می خواهید بازتاب رنگ ها را ببینید، صبح بین ۷:۳۰ تا ۱۰ بروید."

دوک که آخر پاییز ۱۳۹۸ از انگلیس به شیراز آمده بود، در این مورد می گوید: "این مسجد آینه ای از رنگ هاست. جایی است که احساس آرامشی بی نظیر می بخشد." الک یونانی هم مسافر پاییز بوده و می گوید: "گوشه ی خلوتی پیدا کنید، بنشینید و از جشن رنگ ها لذت ببرید!"



## نور در معماری اسلامی

نور در معماری اسلامی عنصری هستی بخش است، نه روشنایی بخش. نور و سایه در سطوح، تقابل های شدید ایجاد نموده و به نقوش سنگ ها و سطوح گچی بافت می بخشد. (نجفی، ۱۳۹۲)

اجسام نورانی از دیرباز در جوامع بشری همواره مورد ستایش و احترام انسان ها بوده تا جایی که حتی آنها را عبادت کرده و می پرستیدند. در برخی جوامع، نور خورشید را نظاره گر بر همه چیز می دانسته و آن را سمبل روشنایی آسمان، نگهبان پیمان ها، محافظ نیکوکاران در این جهان و در آخرت و بالاتر از همه چیز دشمن تاریکی و خداوند نبرد و پیروزی ها قرار می دادند. نور در اغلب ادیان منشأ تمام پاکی ها و نیکی هاست. در اسلام نیز نور تجلی گاه ذات انسان می باشد.

از دیرزمان عنصر نور در اسطوره، تاریخ و فلسفه ی جهان شناسی اقوام گوناگون حضور داشته است و در تمام فرهنگ ها و ادیان به نور توجه بسیار شده است. از آیین مصر باستان تا بودا و اسلام، همگی نور را به عنوان مظهری از قدرتی مطلق بیان می کنند که همه ی کائنات و ملزومات از آن نشأت می گیرند.

در دوره ی اسلامی اندیشمندان و مفسران اسلامی نظریات متعددی در مورد نور و رنگ بیان کرده اند و وجود آیات فراوان از نور و رنگ در قرآن باعث شد که هنر و معماری اسلامی، نور و رنگ را به عنوان تمثیلی از وجود الهی به کار گیرند.

نور در معماری، حسی عرفانی به فضا به ویژه فضاهای مذهبی می‌دهد. در فضاهای معنوی نمادی بسیار مهم و پنهان است که در بوجود آوردن فضای روحانی تاثیر بسزایی دارد که نمادی از عقل الهی و نشانه عالم لایتناهی و فضای معنوی می‌باشد. حضور نور در معماری اسلامی، به ویژه مسجد که خانه ی اوست، تجلی می‌یابد.

در ایران به دلیل نیاز به نور در فضاهای زیستی بخش تفکیک ناپذیری از مردم در طول تاریخ بوده است و بی جهت نیست که ادیان پیش از اسلام در ایران، به خصوص آیین زرتشت، تمثیل نور را برای تبیین تعالیم خود به کار می‌گرفتند. مساجد قلب تپنده ی هر شهر است که نمایانگر پاسخی به حالات و تفکرات درونی بشر بوده است. مساجد به لحاظ اینکه تمام کارکردهای معماری را در خود جای داده، همواره کاملترین نوع معماری بوده است که در قرون اولیه اسلامی از نظر سبک ساخت و نوع مصالح و حتی تزئینات به کار رفته در آن، بسیار ساده بودند.

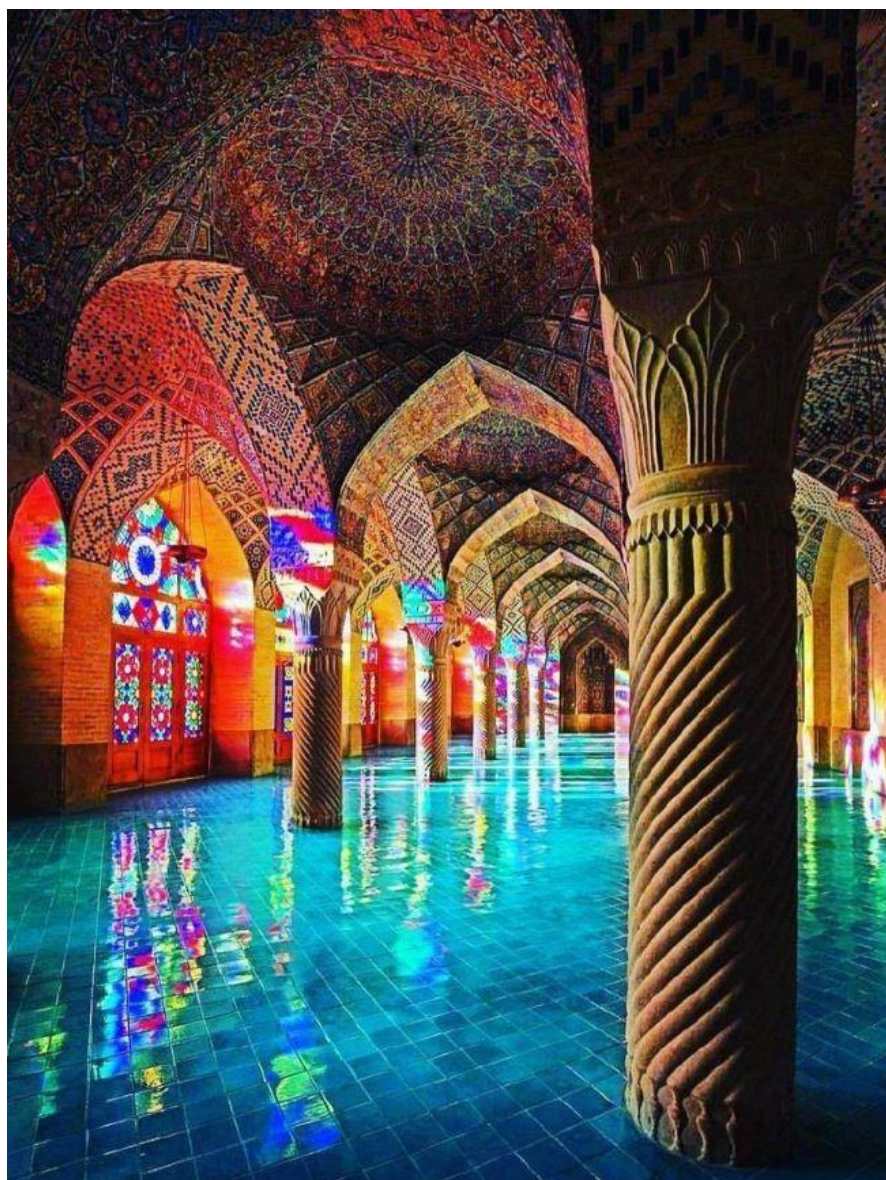
نور، عمده ترین مشخصه معماری ایران است، نه فقط به مثابه عنصری مادی بلکه همچون نمادی از عقل الهی و همچون وجود. (اردلان و بختیار، ۱۳۸۱)

## نقش نور در معماری

معماری بازی هنرمندانه دقیق و خیره کننده مجموعه ای از اجسام ساخته شده در زیر نور است. چشم های ما برای این آفریده شده اند که فرم ها را زیر نور ببینیم. نور میتواند فضا را تعریف کند و شکل بیافریند. (مایس، ۱۳۸۴) زیبایی که به چشم می‌آید از پرتوی نور و روشنایی است و گرنه در تاریکی زیبایی مفهومی ندارد. زیبایی حقیقتی است که با نور معرفت می‌گردد و زیبایی ظاهری با حس بینایی ما دیده می‌شود. نور و روشنایی چه ظاهری و چه عرفانی باعث می‌شود که زیبایی به چشم آید و رنگ و سایر زیبایی های شی جلوه داشته باشند. در هنر معماری نور یکی از اجزایی است که کنار عناصر و مفاهیم دیگر از قبیل ساختار، نظم فضایی، مصالح و رنگ مطرح می‌شود و در طراحی به عنوان یک عنصر مجزا باید نقش خود را ایفا کند. یکی از مهم ترین مشخصه های نور طبیعی، توالی و دگرگونی آن در طول روز است که باعث حرکت و تغییر حالت رنگ اجسام در ساعات مختلف می‌شود. نور از عوامل موثر در فضای معماری است که ارزش فضایی مکان را چند برابر می‌کند، چراکه این عنصر محسوس در طبیعت نه تنها برای روشن کردن فضا به کار رفته بلکه گاه جنبه ی عرفانی و مقدس نیز داشته که جنبه های دیگر معماری را نیز تحت تاثیر قرار داده و در ترکیب با آنها یک فضای روحانی را به وجود می‌آورد که در تبیین توالی بین دو جهان مادی و معنوی نقش بسزایی دارد. سناریویی که معمار برای نور مطلوب ساختمان خود در روز و شب در نظر می‌گیرد، در پیدایش

حال و هوایی کلی حاکم بر بنا نقش دارد. نقش معمار در طراحی سلسله مراتبی که به لحاظ تاریکی و روشنایی مخاطبین را با آن مواجه می‌کند، بسیار مهم است. نور در معماری سنتی همواره جهت دهنده است اما در معماری مدرن، نگاه انسان از آسمان به عنوان فضایی ماورا الطبیعه به سمت اصل فیزیکی و مادی تغییر یافته و نور به عنصری کاربردی تبدیل شده است.

در معماری مذهبی نور به عنوان عنصری بارز و مستقل از سایر عناصر و مفاهیم به کار رفته، به گونه ای که شعاع های آن به طور واضح در داخل کالبد مادی و تاریک حجم قابل مشاهده است. نور یک حضور روحانی است که در سختی ماده نفوذ کرده و آن را تبدیل به یک شی لطیف می‌کند و وظیفه ی آن شفاف کردن ماده و کاستن از سختی و سردی بناست. درواقع نور در معماری اسلامی عنصری هستی بخش است نه روشنایی بخش. در نظر نویسندگان و هنرمندان اسلامی نمادی از وحدت الهی است. آنها معتقدند هنرمند مسلمان در انتقال ماده باید از نوسان و ارتعاش نور بهره بگیرند. (صنعتی، ۱۳۸۵) نور در معماری نقشی دوگانه ایفا می‌کند. هم امکان مشاهده و رویت می‌دهد و هم خود به مثابه رکن سوم، غمزه های هندسه و رنگ را به کمال می‌رساند. بدین وسیله مشارکتی عظیم در شعر پایدار می‌یابند. نور همانند رنگ، بافت، مصالح و تزیین ها به فضا معنی می‌دهد و احساسات انسان را به لحاظ روانی ترغیب می‌کند. این تلالو نور و رنگ را می‌توان در آثار معماری اسلامی ایران از جمله مسجد شیخ لطف الله، مسجد نصیرالملک و ... مشاهده کرد.



## رنگ در معماری اسلامی

از جمله نشانه های چشمگیر الهی در جهان هستی، رنگ است. رنگ ها با تجلی و ظهور در پیکر موجودات جاندار و بی جان جلوه و جمال خاصی به طبیعت بخشید، ادامه ی چرخه ی حیات و شکوه زندگی را مرهون خود ساخته اند. باید ادعا کرد که بدون جهان رنگ، سردی و افسردگی و بی نشاطی در همه جا رخ می نمود. در سایه ی تاثیر متنوع رنگ هاست که رهاوردهای متناوب روانی در انسان و سایر موجودات تظاهر پیدا می کند و روح دلپذیر می گردد. (پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۹۵) بدون شک تمامی رنگ ها وجودشان برای ادامه ی حیات لازم و ضروری است و هر کدام نیز اثر خاصی دارند و نقش ویژه ای را ایفا می کنند. به گونه ای که تصور طبیعت بدون رنگ غیر ممکن است. باید پذیرفت که روان انسان به اندازه ای که در برابر رنگ ها قرار می گیرد و با آنها مواجه است، با چیز دیگری ارتباط ندارد و از این رو چیز دیگری به این اندازه او را متاثر نمی سازد.

رنگ ها در هنر، جنبه ی کیمیایی داشته و هر رنگ دارای تمثیلی خاص و رابطه با یکی از احوالات درونی انسان است. در هنر اسلامی، نور و رنگ نمود دیگری پیدا می کند. به نظر می رسد هنر و معماری اسلامی سعی دارد تا احادیث خداوند را لایه لای رنگ ها، فرم ها، انوار و اصوات و به تعبیری معنا را در صورت متجلی سازد. رنگ نه از عوامل عرضی که از عناصر ذاتی اثر هنری است و به یک عبارت در دقیق ترین تعبیر، رنگ از جمله عناصر ظهور معنا در اثر است. این معنا به ویژه در فرهنگ شرقی که در آن تمایزی ذاتی میان معنا و قالب وجود ندارد ظهور کامل تر و دقیق تری دارد. نگارگری ایرانی و نقاشی های چینی، هندی و ژاپنی دلیل روشن بر اثبات این معنا هستند.

رنگ از تکثیر نور حاصل می شود و نمایانگر کثرتی است که ارتباط ذاتی با وحدت دارد. زیرا از یک سو رنگ همان نور است (وحدت) و از سوی دیگر، نور ترکیب هفت رنگ است (کثرت). به معنی دیگر، ذات متعالی و بی رنگ نور که نماد کامل وحدت است با رنگ تجسم مادی می یابد.

## نقش رنگ در معماری

رنگ هایی که بیشتر از بقیه در معماری مساجد استفاده شده اند (سفید، آبی، قرمز، زرد و سبز) رنگ هایی هستند که بیشترین تاثیر را دارند. (زارع، ۱۳۹۳) مساجد جهان اسلام در بکارگیری رنگ های متنوع از چهارچوب واحدی پیروی می کنند و معمولاً از رنگ های سبز، آبی و فیروزه ای استفاده می کنند. رنگ آبی لاجوردی و فیروزه ای از عمده ترین رنگ های زمینه ای دیوارها، کاشی ها، محراب، گنبد، صحن و شبستان مساجد است.

### سفید

رنگ سفید در بیشتر مواقع فضای داخلی مساجد را می پوشاند، نشان از قداست و پاکی و آرامش است. سفید در مسجد اسلامی شکل واحد و توحیدی به خود می گیرد و در جهت بیان قدسی و عبادتگری و نیایشگری به کار می رود. سفید پرمعناترین رنگ در عالم روحانی است و نیز پر مهابت و ترساننده است. سفید در مسجد دورتادور آدمی کشیده می شود و فضایی پرمعنا و گویا می سازد که در مرکز بیکرانگی و قداست قرار دارد.

### آبی

رنگ آبی عمقی دارد که آدمی را به بینهایت و به جهانی خیالی و دست نیافتنی می برد. قدرتش در کنش پذیری است و نیرویی آرامبخش دارد. امروزه، چراغ برق های آبی رنگ در آسایشگاه ها برای آرام کردن بیماران به کار می رود. آبی همیشه سایه دار است و در نهایت عظمت خود را به تاریکی می گراید. آبی روان ما را به امواج ایمان و به انتهای روح سوق می دهد. آبی برای ما به مفهوم ایمان و برای چینی ها سمبل فناپذیری است. آبی به دلیل سکوت و آرامش اسرارآمیزش در تابلوهای مذهبی مسیحیت و بناهای اسلامی کاربرد ویژه ای دارد و نشان از فروتنی، ایمان و اعتقاد، اعتماد و مقاومت دارد. (بهمنی، ۱۳۹۴)

## لاجوردی

لاجوردی رنگ عالم مثال است و وسعت درون و بیکرانگی آسمان را نشان می‌دهد. درکاشی کاری مانند آسمان فضا را می‌پوشاند و نقوش زرد و نارنجی در میانه آن مانند ستارگان می‌درخشند و نقش و نگاره های گیاهی آدمی را به خیال بهشت می‌برد. خطوط آنها قداست و آیات نور را دربر دارند. بدین گونه است که کلام و نقش درهم می‌نشینند و هر نقش و نگار سمبل و نماد چیزی از آن عالم مثال می‌شود.

## قرمز

قرمز به شدت می‌درخشد و به آسانی تاریک و خاموش نمی‌شود. قرمز رنگی است بسیار انعطاف پذیر و به حالات متخلفی در می‌آید. قرمز نبض را سریع می‌کند. فشارخون را بالا می‌برد و تنفس را بیشتر می‌کند. بیانگر نیروی حیاتی، فعالیت عصبی و معنای آرزو و همه شکل های میل و اشتیاق را دارد. قرمز نشانگر آرزوی شدید برای همه ی چیزهایی است که شدت زندگی و کمال تجربه را در پوشش خود دارند. قرمز علامت جهان متلاطم، جنگ و شیاطین بوده و نشانی تثبیت شده از مبارزه و انقلاب و شورش است.

## زرد

زرد، روشن ترین رنگ هاست و نشان روشنی و نور است. صفات رنگ زرد عبارتند از: روشنی، بازتاب، کیفیت، درخشان، شادمانی زودگذر. زرد نمایانگر توسعه طلبی بلامانع، سهل گرفتن یا تسکین خاطر است. از لحاظ نمادی، مشابهت گویا و دلپذیر به نور آفتاب دارد. از لحاظ سمبلیک با فهم و دانایی ارتباط دارد و نشان از دانش و معرفت است.

زرد طلایی، رنگی است منور با درخششی ملایم، بدون وزن و نامتعادل. رنگی است که در گذشته به جای نور و روشنی به کار می‌رفته. در گنبدهای طلایی مسجد بیزانس و زمینه ی نقاشی استادان قدیمی از این رنگ به عنوان سمبل آخرت، شگفتی، پادشاهی و سلطنت نور و خورشید استفاده شده است.

## سبز

سبز در حد فاصل زرد و آبی قرار دارد و ترکیبی از این دو رنگ است. سبز رنگ نشان دهنده ی ارضای آرامش و امیدواری است. رنگ سبز، آمیزشی از دانش و ایمان است. سبز متمایل به زرد احساس جوانی و نیروی بهار می‌آورد و به این علت در فصل بهار شادی، تصویری جدای از دیگر مواقع دارد. رنگ سبز متمایل به آبی، حالت روحانیت را نشان می‌دهد.

سبز رنگ حرم پیامبر(ص) است. روایت است که در هنگام نزول وحی، افق آسمان به رنگ سبز نمایان شد. رنگ سبز زندگی و زیستن است. رنگ آرامش، سبز مطلق، آرام ترین رنگ هاست، کانون هیچ جنبشی نیست و به دلیل همین ساکن ماندن کسالت آفرین می شود و به این علت با رنگ های دیگر می نشیند.

#### فیروزه ای

ایرانیان از دوره ی پیش از اسلام به قداست فیروزه ای معتقد بودند. می توان این رنگ را در کاشی های مکان هایی مانند تخت جمشید هم ملاحظه کرد. یا بر اشیای زینتی که خانم ها به کار می برند. به نظر آنها فیروزه ای دید را قوی می کند. نازایی از بین می رود، عزت و سلامت نفس می آورد، پس فیروزه ها را برای تداوم ساختمان و قوی نمودن دید باطنی نگرندگان و عبادت کنندگان بر کاشی های گنبد و مناره ها به کار میبردند.(جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴)



## نور و رنگ در مسجد شیخ لطف الله

در مساجد اصفهانی از ترفندهای مختلفی برای تقویت قدرت خیال پردازی استفاده شده است. در این دوران با استفاده از فرم های خاص و نورپردازی متناسب با آن پدیده های بینایی به وجود می آید که از نظر ادراکی قابل توصیف نیست و جای تعبیر و تفسیر داشته و گذشته از آن حال و هوایی عرفانی به مسجد می دهد.

آنچه که بیش از هر چیزی در این مسجد بیننده را به خود جلب می کند، کیفیت فضایی تاثیرگذار آن می باشد. این مسجد فاقد صحن و مناره است و از این نظر با مساجد دیگر متفاوت می باشد. آرتور پوپ در مورد این مسجد می گوید: کوچکترین نقطه ضعفی در این بنا دیده نمی شود. بین یک دنیا شور و هیجان یک سکوت و آرامش باشکوه که نماینده ذوق سرشار زیبایی شناسی بود و منبعی جز ایمان مذهبی و الهام آسمانی نمی تواند داشته باشد و به سختی می توان گفت این مسجد محصول دست بشر است. به گفته پوپ هرکس اهل درک و اندیشه دقیق باشد نمی تواند وارد این فضا شود بی آن که تکان و احساس ناشی از رسیدن به حضور وی دست ندهد.

جهت آمادگی مقدماتی، معمار مسجد این مقدمات را برای طراحی در فضای ورودی و راهرو و اتصال ایجاد کرد. دالان و گذر تاریک بعد از فضای ورودی در تضاد با روشنایی بیرون می باشد. این راهرو که طول آن ۲۸ متر

است بعد از ۱۴ متر از درب ورودی پیچی به زاویه ۹۰ درجه به طرف راست دارد. در گوشه این پیچش یک پنجره سنگی به اضلاع ۱ متر در ۷۰ سانتی متر وجود دارد که کورسویی از نور را در دالان بوجود می آورد. کشتی را برای حرکت در راهرو و هدفی در جهت حرکت ایجاد می کند. نور که روی دیوار مقابل می افتد محوری در فضا ایجاد می کند که با چرخیدن به راست با نور دیگری روبه رو می شود. این دوباره چرخش و قرار گرفتن در تاریکی حس انزوا و گم گشته ای از دنیای بیرون بر او مستولی می شود. این دالان عمدتاً تاریک طراحی شده و در تضاد با روشنایی بیرون می باشد. در حرکت به جلو نور ضعیفی که از بالا به طور ملایم می تابد راه را روشن می کند. این نور، چرخشی در فضا ایجاد کرده و شخص به سمت راست راه می یابد. این درحالی است که در دل ظلمتی بی انتهاست. جلوتر در مسیر دالان در فضایی دیگر آشکار می شود و بیننده وارد فضای وسیع زیر گنبد می شود. بی گمان هر بیننده ای که این مسیر را پیموده باشد به تاثیر این فضا در خود اذعان می نماید.

هدف از طراحی این دالان، نمایان ساختن فضایی است که با فضای عادی عالم مادی و جسمانی متفاوت است و متضمن وجود انفصالی بین این فضا و فضایی است که بشر با آن خو گرفته و در زندگی روزانه خود آن را تجربه می کند. با حذف تنش ها و فشارهایی که ویژگی زندگی مادی است و انسان با دخول در این فضا خود را مقابل امر ابدی احساس می کند بر این اساس نور در انسان نهاده شده است.

در هنگام ورود به مسجد بخاطر تاریکی محیط دالان ورودی، فرد سکوت و سکون را احساس کرده و نور این دالان به وسیله نورهایی که از فخرالمدین ها به داخل دالان می تابد به صحن مسجد هدایت می شود تا از روبه روی قبله وارد این بنا گردد. و در همان نگاه اول هنگام ورود، فرد مبهوت کاشی کاری هفت رنگ و معرق و بازی نورها می شود. نورهایی که بسیار ماهرانه در بنا تعبیه گردیده اند. روزنه های نور که در زیر گنبد و بالای دیوارها قرار دارند احساس سبک و معلق بودن گنبد میان زمین و آسمان را به انسان تلقین می کند. این همان شفاف سازی جرم به فضا و از ماده به روح رسیدن است و اساساً معماری این نوع از مساجد معماری نور، معماری شفافیت و معماری روحانی است و کمتر کسی است که از این مسجد دیدن کرده ولی تحت تاثیر فضای داخل آن قرار نگرفته باشد. در گنبد سازی به شیوه اصفهانی ساقه گنبد نسبت به اربابه در گنبدهای شیوه آجری کشیده تر می شو، که یکی از عوامل عمده آن هدایت نور بیشتر به داخل فضا است. (صالحی، ۱۳۸۹)

در گنبدخانه این مسجد سه منبع نور دیده می شود: (۱) نوری که از دهانه بزرگ شمال شرقی بردیواره های جنوب غربی شبستان که محراب در آن قرار گرفته می تابد و سطح کاشی کاری آن را به طور زیبایی روشن می کند. (۲) نوری است که از شبکه چوبی تعبیه شده در دیوار شرقی گنبدخانه وارد شده، که تقریباً وسط صحن گنبدخانه را روشن می نماید. (۳) همان شبکه های زیر گنبد که محل اتصال دیوارها به گنبد هستند و فضای زیر گنبد را به همراه دیواره های گنبدخانه توسط ۱۳ پنجره روشن می کند. دلیل اینکه این پنجره های مشبک در گرداگرد این بنا وجود دارد در تمام طول روز قسمتی از تابش خورشید را وارد فضای داخلی شبستان خواهند کرد. استاد محمدرضا بنا اصفهانی می توانست با گذاشتن گشودگی های بیشتر نور بیشتری

را وارد این بنا کند اما با وارد کردن همین میزان نور مهار شده بر روی کاشی ها توجه ما را به تک تک آنها جلب می کند. در بالای در ورودی از راهرو به شبستان یک گشودگی وجود دارد که برای روشنایی عمومی و به ویژه روشنایی محراب ایجاد شده است.

یکی از شاهکارهای معماری مسجد شیخ لطف الله اصفهان تناسب نور خورشید با آیات قرآنی نقش بسته روی کاشی هاست. مجموعه تاریخی میدان امام اصفهان با اشاره به تابش پرتوهای نور بر کاشی های مزین به سوره انفطار هنگام صبح: انفطار به معنای گشاینده است و خداوند در هر دو آیه اول این سوره می فرماید هنگامی که آسمان باز و گشوده شود و ستاره ها پراکنده شوند تاریکی کنار می رود که این با طلوع خورشید همراهی دارد. هنگام ظهر نیز پرتو نور خورشید بر روی سوره شمس می تابد. که خداوند در این سوره می فرماید: والشمس وضحها، یعنی وقتی خورشید نور افشانی می کند وی به تابش نور مهتاب در شب در ضلع شمال شرقی مسجد اشاره کرد و شب هنگام پرتو نور مهتاب بر روی سوره واللیل می تابد و در این سوره خدا می فرماید: قسم به شب هنگامی که همه جا را تاریکی فرا می گیرد. (کیانی، ۱۳۸۳)

معماری مسجد شیخ لطف الله واجد گوهر معماری است که شالوده طرح معمار اصفهانی بر آن است از ویژگی های مهم این مسجد رعایت سلسله مراتب است رجوع از بیرون به درون و تعالی در عالم مکان است. این مسجد دارای ویژگی چند بنیانی است که علاوه بر نقش کارکردی، دارای نوعی نمادگرایی نیز می باشد نقش نمادین نور در معماری اسلامی تا آنجا پیش می رود که هانری استرلین در کتاب اصفهان تصویر بهشت در رابطه با این چنین فضا آن را اقلیم هشتم می خواند. همان که سهروردی آن را به زبان پارسی نا کجا آباد خوانده است، یعنی مکانی که معادل مکانی در این جهان جایی ندارد.

مسجد شیخ لطف الله نمود کامل حضور کیفی نور در معماری از طریق استفاده از برترین و متنوع ترین شیوه های بیانی معماری است که در مقیاس با سایر معماری ایران توانسته است برآیندی بهینه و منحصر را از روش ها و نیز ابداعات ظریف از حضور کیفی نور ارائه دهد.

مسجد شیخ لطف الله به واسطه کاشیکاری های معرق داخلی و خارج گنبد و کتیبه های بسیار زیبای خط ثلث که بسیاری از آنها به خط علیرضا عباسی است، از زیبایی و ظرافت کم نظیری برخوردار است. کار ساخت این مسجد که از والاترین نمونه های معماری و کاشیکاری ایران در نیمه اول قرن یازدهم هجری است به فرمان شاه عباس اول شروع شده و سرر زیبایی آن در سال ۱۰۱۲ هجری به پایان رسیده است.

گنبد آن یکی از زیباترین گنبدهای اصفهان است که از طرفی به خاطر عظمت و از طرف دیگر بر اثر تزئیناتی که از زمینه کرمی با نقش و نگارهایی به رنگ آبی سیر تشکیل می شود نظر هر بیننده ای را به خود جلب می کند.

کاشی کاری پوشش داخلی گنبد از ابتدا تا انتها تقریباً به یک اندازه بوده و تزئین گنبد را تشکیل می دهد. دیوارهای جانبی صحن مسجد با گل و بوته های متصل به هم در یک متن کرمی رنگ تزئین شده است. زاویه

های فوقانی دیوارهای جانبی صحن مسجد با گل و بوته هایی که طرح آن با سایر قسمتها تفاوت کلی دارد پوشیده شده و تنوع خاصی به تزئین کلی صحن بخشیده و در اولین نگاه نظر بیننده را جلب می کند. زیبایی کاشی کاری این مسجد اعم از کاشی های معرق یا کاشی های هفت رنگ، در نوع خود بی نظیر است.

ایوان ورودی با زمینه لاجوردی و نقوش زرد رنگ کاشیکاری شده است. در راهرو ورودی پنجره های مشبک فیروزه ای در میان سایه روشن راهرو خود نمایی می کنند و سرای زیر گنبد دارای دیوارهایی با زمینه لاجوردی و نقوش زرد است با این حال هر ضلع این سرای هشت ضلعی با نقوش متفاوت طراحی شده اند. رنگ ها در گنبد از همنشینی لاجوردی، فیروزه ای و نخودی ترکیبی زیبا به وجود آورده اند. زمینه نخودی با کاشی های لاجوردی در مرکز جای خود را به زمینه سفید و نقوش فیروزه ای می دهد. (مقدسی، ۱۳۹۰)

با توجه به موارد ذکر شده و توضیحات نوشته شده هویدا است که هنرمند رنگهای کاشیکاری ها را هدفمند و از روی آگاهی انتخاب کرده و علم و حکمت را به ذوق آمیخته و اثری زیبا و دلنشین پدید آورده که تا امروز شکوه خود را حفظ کرده است. (شایگان، ۱۳۸۲)

رنگ لاجوردی در ایوان ورودی حکم دعوت به مکانی روح انگیز را دارد که انسان را از کار روزانه جدا ساخته و با کمک نقوش زرد پیچ خورده در آن شور و شوق عبادت را زنده می کند و تعادل بصری را در تباین با آبی به وجود می آورد. راهروی فیروزه ای این شوق را حفظ می کند و امید فرحی دلپذیر را می دهد.

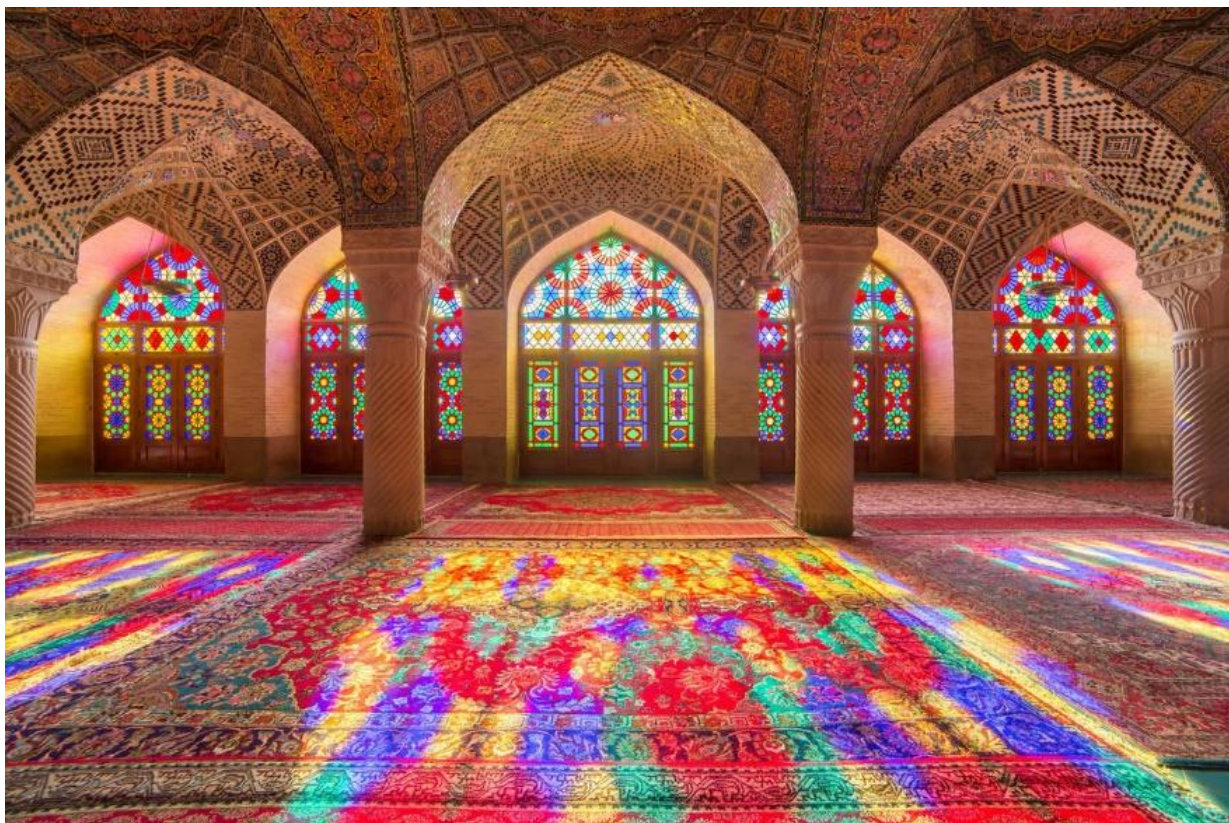
وارد سرای زیر گنبد که می شویم دیوارها با زمینه لاجوردی فضایی را برای یادآوری خاطرات ازلی و بهشتی که از آن حبوط کردیم را فراهم می آورد. نقوش زرد دیوارها نماد نور و امید و حرکت رو به بالا هستند و شوق عشق ورزی به معبود و انگیزه درایت و اندیشه در آفرینش را زیاد می کنند.

رنگ زرد کم کم جای خود را به نخودی می دهد؛ بنده خاکساری که در مسیر سلوک و عبادت خالق کم کم رنگ می بازد و نیست و بی رنگ (سفید) می شود. رنگ سفید در مرکز گنبد نشان نور است و بی رنگی سالک که فنا در نور شده است.

در این میان وجود رنگ فیروزه ای نیز به خاطر شادی بخش بودن نماد فرحی است که در انتها به عابد به خاطر عبادت بدان می رسد. مقامی که بنده از خدا راضی است و خداوند از بنده راضی است.

در مسجد شیخ لطف الله از زمینه خاکی رنگ در کاشیکاری ها استفاده شده که دلیل آن نشان دادن شان و بها دادن به خاک است. این کاشی ها با کاشی های آبی رنگ گنبد که خود نماد آسمان هستند، در تضادند.

حال با وجود پیشرفت های علمی بشر و دستیابی او به مصالح برتر، هنوز هم به نظر غالب هنرمندان مسجد شیخ لطف الله شاهکاری است که پس از صدها سال در زمینه ی رنگ، نقش و نور از آثار معاصر و متاخر پیشی می جوید. رنگ بر روی جداره های مسجد آنچنان با مصالح یکی شده است که مخاطبان خود را از آرامش که غایت احساس بسیاری از بناهاست فراتر برده و در پیچیدگی ساده ای او را به عالم معنی می کشاند.



## نور و رنگ در مسجد نصیرالملک

دیدن نور آفتاب صبح گاهی که از شیشه های رنگ می گذرد و سپس روی طرح فرش های ایرانی می افتد، چنان جادویی است که گویی متعلق به جهانی دیگر است. شیشه های رنگی در ساختار این مسجد، به لطف و عظمت این مسجد افزوده است. در مسجد نصیرالملک در شیراز، آینه با ظرافتی قابل تشبیه به جواهرسازی به کار رفته است. نور در شکل گیری فضا نقش مهمی برعهده دارد. جلوه های بصری نور از هر نوع حضور جسم آن در تعریف فضا موثرتر هستند. نور، پیشامدگی و سایه، عمق را تداعی می کند. در این مسجد نور به گونه ای متفاوت از سایر بناها به کار گرفته شده است و با به کارگیری خاص این پدیده، فضا را قدسی، ملکوتی و عرفانی جلوه می کند.

در مسجد نصیرالملک شگفتی استفاده از نور و رنگ چه از لحاظ معماری و عرفانی و روحانی و چه از لحاظ روانشناسی به سرحد خود رسیده است، اگرچه این مسجد وسعت مسجد نو یا وکیل را ندارد اما زیبایی و ظرافت و شکوهش سبب شده اکثر مردم آن را زیباترین مسجد شیراز بدانند. در این مسجد با فرا رسیدن فصل پاییز و تغییر زاویه محسوس خورشید و انعکاس نور شیشه های رنگی در فضای مسجد، فضایی زیبا را می آفرینند و می توانید در صبحگاه، شاهد بازی نور و رنگ پنجره های مسجد که از شیشه های رنگی گذشته و با طرح فرش ایرانی آمیخته و جادویی چشم نواز را آفریده، شاهد باشید. گویی شیشه های رنگ نقش جاویدگی مسجد را برعهده دارند. (داستان و کرمی راد، ۱۳۹۴)

فضای درون مسجد نصیرالملک شیراز مانند یک کالدوسکوپ انسان را از زیبایی دچار شیفستگی می‌کند. در سردر ورودی مسجد که از تکنیک مقرنس کاری و کاشی هفت رنگ و از سنگ سفید برای دور قاب استفاده شده بازی نور و سایه را جهت ایجاد حس زیباشناسی برای دعوت و ورود مخاطب به کار برده است. هشتی شش ضلعی مسجد که دارای پوشش قهوه ای رنگ آجری است، بدون هیچ روزنه ای طراحی شده، فضایی نیمه تاریک را بوجود می‌آورد که این خود مقدمه ای برای حضور در صحن است. صحن آن همانند شبستان غربی با آجر قهوه ای رنگ و کاشی هفت رنگ پوشیده شده با این تفاوت که در شبستان غربی یک جداره پنجره با شیشه های رنگی استفاده شده است و رنگ کف آن فیروزه ای می‌باشد. همخوانی این رنگ ها با نور دوچندان می‌شود و زیبایی بی نظیری را بوجود می‌آورد. شیشه های رنگی نور آفتاب را به فرکانس هایی تبدیل می‌کنند که دارای انرژی یا انرژی زا هستند. رنگ های گرم زرد تا سرخ انرژی زیادی از آفتاب ساطع می‌کنند و سبز انرژی را می‌گیرد و آرامش می‌دهد. شبستان شرقی که هم اکنون به عنوان موزه گالری در مسجد نقش ایفا می‌کند در زمستان قابلیت دارد و ته رنگ قهوه ای آجرهایش و سادگی اش به نوبه ی خود فضایی خاص را بوجود می‌آورد. این همه خود طبیعت نیست، افشردن آن از آن است که از یک فیلتر هنرمندانه و آگاه گذشته است و طبیعتی مجازی است. آنگاه که روی کف کاشی صیقل و براق خاکستری خنثی رنگ انعکاس یافت به توان دو و اگر روی نقش و نگار قالی تابید به توان سه می‌رسد. رنگ غالب در این مسجد صورتی است، رنگ صورتی یک رنگ استثنا نه رنگ سرد و گرم بلکه رنگ صمیمیت است. (فرخ باور، ۱۳۹۲ و داستان، کرمی راد، ۱۳۹۴)

بازی با نور و رنگ در شبستان غربی مسجد فضایی زیبا و دلنشین توأم با آرامش را فراهم کرده است و تلالو رنگ ها بر روی کف فیروزه ای صحن، بیننده را مجذوب می‌کند. شبستان نیمه تاریک و نیمه روشن مسجد فضایی خیال انگیز و حالتی روحانی به مجموعه داده است. تابش نور از بین شیشه های رنگی خرد شده محیط را متبرک کرده است. گویی ملاحظه شان و منزلت انسان و تاکید بر فضیلت آن دارد و می‌خواهد غم درون انسان را به فراموشی بسپارد.

استفاده از شیشه های رنگارنگ در طراحی داخلی معماری ایرانی و همچنین در کلیساها شایع بوده است اما شاید استفاده از این زیبایی منحصر به فرد در مساجد کمی شگفت انگیز به نظر می‌رسد. مسجد نصیرالملک یکی از معدود مساجد جهان است که طراحی داخلی چشمگیر آن با شیشه های رنگی این مکان را به یک اثر هنری تحسین برانگیز تبدیل کرده است. نور آفتاب از شیشه های رنگی این مسجد بر روی نقش و نگار دیواره ها و طرح های روی آن منعکس شده و یا اینکه بر روی فرش کف مسجد می‌تابد. عبور نور خورشید از شیشه های رنگی و ترکیب آنها باعث شده تا دنیایی از رنگ در مسجد بوجود بیاید. هنرمند ایرانی دست به اقدامی هوشمندانه زده و از شیشه های رنگی برای افزایش زیبایی بصری و خیال انگیز شدن فضا استفاده کرده است. استفاده از شیشه های رنگی توان فهم و درک مخاطب را از فضای معماری افزایش داده و تقرب او را به جنبه های توحیدی مهیا می‌سازد. یکی از اولین و بهترین توصیفاتی که راجع به این مسجد می‌توان گفت، اینجا بازی رنگ و نور است و از آنجا که ترکیب این دو همیشه باهم شگفت انگیز است، پس بهترین انتخاب است. فضای ایجاد شده در مسجد نصیرالملک نمونه ای از بهترین مصادیق برای تبیین کل نظام هستی در اندیشه

ی عرفانی اسلامی است که در قالب وحدت و کثرت قابل طرح است. در این مقاله سعی شده است کارکردهای مختلف عنصر نور و رنگ معرفی شود تا بر اساس آن ابتدا به چهارچوبی منظم برای دسته بندی نور و رنگ رسیده و بعد به مقایسه و تحلیل بین دو مسجد صورت گیرد. تحلیل هریک از بخش های بنا به درک ما از تاثیر نور و رنگ در آن کمک می کند.

تلالو نور بر روی سردر مسجد باعث ایجاد حس زیبایی شناختی و معنوی، عرفانی و روانشناسانه در ورودی مسجد می شود. از بازی نور و سایه و رنگ با توجه به پر و خالی کردن سردر استفاده شده است. نور اندک در فضای هشتی باعث ایجاد حس معنوی، عرفانی و روانشناسانه مقدمه ای برای حضور در صحن مسجد می شود. نبود روزنه و پنجره های در هشتی و چرخشی نود درجه باعث خلاقیت در نورپردازی می شود. تاثیر دیدگاه های علمی، معنوی و زیبایی و روانشناسانه در برخورد نور در صحن اصلی مسجد دیده می شود. برخورد نور به کاشی های هفت رنگ و پنجره های رنگی شبستان غربی و تلالو نوری آن در فضای صحن مسجد ایجاد می کند. تلالو نوری در برخورد با مقرنس کاری ها و ایجاد حس زیبایی شناسانه و معنوی و عرفانی، مخصوصا ایوان شمالی که با برخورد نور مستقیم درخششی بی نظیر به خود می گیرد.

## مقایسه ی کاربرد نور و رنگ در دو مسجد

همانطور که تاکنون گفته شد، رنگ و نور تاثیر زیادی در معماری مسجد شیخ لطف الله و نصیرالملک داشته است به طوری که می-توان گفت معماری هر دو تاحدودی بر این دو موضوع بنا شده است. در مسجد شیخ لطف الله بازی با نور بیشتر دیده می-شود و از تاریکی و روشنایی در حس بنا و زیبایی و به طور روانشناسانه استفاده شده است، اما در مسجد نصیرالملک بیشتر بازی با رنگ دیده می-شود و دلیل نام دیگر این مسجد که "مسجد صورتی" است، همین می-باشد. با اینکه این دو مسجد در دو عصر متفاوت ساخته شده اند اما هر کدام عروس مسجد شهر خود می-باشند و کمتر کسی است که تحت تاثیر این دو مسجد قرار نگیرد.

هرجا که نیاز به توقف و تفکر بوده اتفاق افتاده و هرجا که نیاز به دریافت حس خاصی اعم از ترس از خداوند متعال یا برعکس حس نزدیکی با خداوند بوده، رنگ و نوع و احجام هندسی بسیار دقیق نقش خود را ایفا کرده اند. در هر دو مسجد رنگ های شاد و درخشان به خوبی دیده می-شود، شاید دلیل آن این بوده که معماران این دو مسجد خواسته اند که مومنان شادابی و طراوت را در خواستگاه خداوند به خوبی حس کنند. با این که طراحی دو مسجد کاملاً با هم متفاوت است اما شباهت های زیادی نیز در این دو به یکدیگر دیده می-شود.

۱. سیدصدر، ابوالقاسم، ۱۳۸۴، معماری رنگ و انسان، تهران: انتشارات آثار اندیشه
۲. شاطریان، رضا، ۱۳۸۶، آشنایی با فرم و فضا در معماری، تهران: انتشارات تورنگ
۳. گروتز، یورک، ۱۳۸۳، زیبایی شناسی در معماری، (ترجمه) عبدالرضا همایون، تهران: انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی
۴. مددپور، محمد، ۱۳۸۳، نور و نقش آن در هنرهای اسلامی، هنرهای تجسمی، ش ۱۴۳
۵. نجیب اغلو، گل رو، ۱۳۷۹، هندسه و تزیین در معماری اسلامی، (ترجمه) مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: نشر روزنه
۶. وزیری، وحید و مصلح، راضیه، ۱۳۹۲، بررسی جایگاه رنگ در ایجاد حس مکان در مسجد نصیرالملک با رویکرد به هنر اسلامی دوره قاجار،
۷. نصیری، محمد و افراسیاب پور، علی اکبر و احمدی، فریبا، ۱۳۹۵، نماد عرفانی رنگ در هنر و معماری اسلامی
۸. حسن پور، زینب، بررسی ساختار رنگ در مسجد نصیرالملک شیراز
۹. کلاوس، برندا، ۱۳۷۶، رنگها و طبیعت شفابخش آنها، (ترجمه) شهناز آذرنیوش، انتشارات ققنوس
۱۰. شکاری نیری، جواد، ۱۳۸۱، جایگاه رنگ در فرهنگ و هنر اسلامی، مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی ایران
۱۱. هولود، رناتا، ۱۳۸۵، اصفهان در مطالعات ایرانی، (ترجمه) محمدتقی فرامرزی، جلد ۱، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر
۱۲. خوش نظر، رحیم و رجبی، محمد علی، ۱۳۸۸، نور و رنگ در نگارگری ایرانی و معماری اسلامی، ش ۱۲۷
۱۳. ایوازیان، سیمون، جایگاه نور در معماری، معماری و شهرسازی، ش ۷۹، ص ۱۲-۱۷
۱۴. بخشوده، پریسا، معجزه ی رنگ و نور در مسجد نصیرالملک، اولین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری
۱۵. پوراخوند، هادی، ۱۳۹۶، تجلی نور و رنگ در معماری مساجد، کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین
۱۶. تبریزی، ایرج، ۱۳۸۰، تجلی هنر و معماری اسلامی در مساجد، ش ۵۷
۱۷. پای برجا، مارال و هدایتی، حبیب، ۱۳۹۴، بررسی تاثیر نور و رنگ در معماری مساجد ایران، همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران
۱۸. نجفی، سمانه و کسمایی، حدیثه، بررسی و نقش نور در معماری مساجد، سومین کنفرانس بین المللی معماری و شهرسازی پایدار

۱۹. نجم آبادی، محمدحسین، ۱۳۸۱، مسجد شیخ لطف الله و ویژگی های آن، تهران: انتشارات فرزانه

روز

۲۰. پولادچنگ، مرضیه و جابری راد، مائده و جابری راد، مینا، ۱۳۹۳، تجزیه تحلیل کنتراست کیفیت و

کمیت رنگ در کاشی کاری داخلی مسجد شیخ لطف الله، مجموعه مقالات اولین کنگره بین المللی

افق های جدید در معماری و شهرسازی

۲۱. سعیدی، نعمت، ۱۳۸۵، مقاله معماری مساجد، روزنامه جام جم

۲۲. کریمی فرد، لیلا و آرام، الهام، ۱۳۹۶، تاثیر نور و رنگ در فضاسازی معنوی مساجد، سومین همایش

ملی و بین المللی معماری، عمران و شهرسازی

۲۳. آزاد، ملیکا، تاثیر نور طبیعی در کیفیت فضاهای مذهبی

منابع عکس

Pinterest.com